

مخدوم مکرم جناب آقا میرزا محمد تقی علیه بهاء الله ملاحظه فرمایند

۱۵۲

بِسْمِ رَبِّنا الْأَقْدَسِ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ

حمد محبوبی را لایق و سزااست که حین استوای بر عرش در بستانی که به رضوان نامیده شده بسه آیه مبارکه تکلم فرمود بیک آیه نزاع و جدال و قتل و غارت را از عالم برداشت و بیان واضح مبین فرمود نصرت امر بحکمت و بیان مقدر شده طوبی از برای نفوسی که باستقامت کبری بآنچه مأمور شده‌اند عاملند قد شهد مالک القدر فی مقام آخر انی جئت للألفة و الاتحاد بین العباد و امثال آن که از قلم اعلی در زیر و الواح نازل شده معذلک دیده میشود بعضی از امر مبرم محکم الهی بیخبرند و اطلاع ندارند فی الحقیقه اگر نفسی اراده اذیت نفسی نماید آن اذیت بنفس حقّ وارد است و این کلمه ایست که این خادم فانی مکرر از لسان قدم استماع نموده امروز یوم فرح اکبر است و یوم نطق و بیانست و لکن بالحکمة الّتی انزلها الرّحمن فی کتابه العظیم باید قلوب اهل بهاء از انوار نیر ظهور منیر و روشن باشد با جمیع اهل عالم بکمال محبت حرکت نمایند در این کلمه مبارکه که فی الحقیقه یکتا گوهر بحر معانیست تفکر نمائید قوله عزّ کبریائه لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم صد هزار جان فدای این کلمه الهیه که در هر حرف آن بحر عنایت مواج و فرات شفقت جاری چندی قبل لوحی بحضرت اسم الله جمال علیه من کلّ بهاء ابهه از سماء مشیت نازل و این فقره مبارکه بلسان پارسی از قلم اعلی جاری قوله جلّت عظمته و نفسه الحقّ اگر قدرت ظاهره که فی الحقیقه نزد حقّ مقامی نداشته و ندارد بنامها ظاهر شود و سیافی در مقابل و اراده سوء قصد از او مشاهده گردد البتّه متعرض او نشویم و او را باو واگذاریم انتهى

حیف است قلوب منیره باین غبارهای تیره از لطافت خود بازماند و محروم گردد اگر ارض مستعدّه یافت شد باید بکمال روح و ریحان بذر حکمت رحمن را در او ودیعه گذاشت والاّ انه غنیّ عن العالمین هذا یوم فیه اشرفت الأرض بنور ربّها و فیه جاء ربّنا و الملک صفّاً صفّاً باید انسان به ما ینبغی له در ایام الهی عامل شود لعمر الله قد خلقه الله لعمار العالم از برای آبادی آمده نه از برای خرابی حقّ یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است از قبل در زمان رسول الله روح ما سواه فداه حکم جهاد نازل و در این ظهور اکبر اعظم آن حکم مرتفع لا یسأل عمّا اراد الله هو الامر السائل العظیم الحکیم نفسی لشفقته الفداء و روح العالم لألطافه الفداء باید امروز کل به ما انزله الله فی الكتاب ناظر باشند و بالسن صادق و اعمال مقدّسه و اخلاق روحانیّه بنصرت امر قیام نمایند تا از نفحات اعمال طیّبه طاهره اهل ارض بنور اقبال فائز شوند و بافق اعلی توجه نمایند الحمد لله الّذی ظهر و اظهر صراطه المستقیم و هدی الناس الی افقه المبین و اسمه الأعظم العظیم الیوم بر کل لازم است که بر دوستان القا نمایند آنچه را که عندالله محبوب و مقبولست که مباد نفسی از غفلت سبب و علّت ضرّ جمعی شود انه یقول الحقّ و یهدی السبیل لا اله الاّ هو العزیز الجمیل

و بعد قد فاز الخادم بکتابکم الّذی کان یحکی عن اقبالکم و خضوعکم و خشوعکم و رسوخکم و استقامتکم علی امر مولانا و مولاکم الّذی به تزعزع بنیان علوم العلماء و اصول ابنیه معارف العرفاء الاّ من شاء الله ربّنا و ربکم و ربّ من فی السموات و الأرضین فلما قرأت و اطّعت عرضته بعد الاذن تلقاء الوجه قوله عزّ کبریائه انشاءالله لازال از ریحق بیان رحمن بیاشامند و بآنچه الیوم لایق و سزاوار است عمل نمایند مخصوص بعضی از نفوس مذکوره آیات بدیعه منیعه نازل و ارسال شد که شاید بقرائت آن فی الحقیقه فائز شوند و به ما یحبّ و یرضی موفّق گردند امروز روز فضل اعظمست اگر جمیع عالم اظهار محبت نمایند ولو از حقیقت عاری و محروم باشند از ساحت اقدس اظهار عنایت شده و میشود که شاید نفحات آیات دستگیری نماید و از عالم ظنون بملکوت یقین کشاند و از مجاز بحقیقت فائز نماید عند ربک علم کلّ شیء فی کتاب مبین و

اگر از برای بعضی بر حسب ظاهر لوح امنع اقدس نازل نشد این نظر بحکمت بوده و ما اطلع بها الا الله وحده و از برای نفوس مستقیمه ثابته از سماء مشیت ربانیه نازل میشود آنچه که سبب علو و سمو است و اگر ظاهراً نظر بحکمت در ارسال الواح توقّف رود البتّه فیوضات سبحان رحمت الهی در باطن و باطن مدد فرماید آنّه یسمع و یری و هو السّميع البصیر يعطى و يمنع و هو المقتدر القدير طوبى للذین ما منعهم القصص الأولى عن الله مالک الوری قل انه لبدیع السموات و الأرض و انه لهو الذى لا يعرف بدونه قد شهد بذلك مبشّرى ولكنّ القوم اكثرهم من الغافلين قد انزلنا لك هذه الآيات و عن ورائها نزل لوح منبع لو تقرأه بلسان الحقیقه یجذبك الى مقام لا تأخذك الأحزان فى الامكان یشهد بذلك مالک الأديان من هذا الأفق المنیر

بسم الله العليم الحكيم

یا محمد قبل تقى انا نذكر الذى ذكرته فى كتابك و نستر اسمه حكمةً من عندنا ان ربك لهو العليم الحكيم نسأله تعالى بأن يؤيده على ما يبقى به ذكره بدوام اسمائه الحسنی ان ربك لهو الفضال الکریم له ان يذكر الله بما نطق به القلم الأعلى سبحانك يا الهى و الهه الأسماء و فاطرى و فاطر السماء اسألك بالاسم الذى به سرت سفينة امرک على البرّ و البحر بارادتك و به اضطرب كلّ عالم و ارتعد كلّ غافل و تززع كلّ بئان متين بأن تؤيدنى على هذا الأمر الذى به زلت اقدام العلماء و العرفاء و الأدباء الا من انقذته بجدوك و الطافك اى رب اسألك بأن لا تخيبنى عمّا عندك و لا تجعلنى محروماً عن بحر علمك و شمس فضلك ثمّ ارزقنى يا الهى كوثر الاستقامة بأيدى عطائك انك انت المقتدر على ما تشاء لا تمنعك الصّفوف و السيوف و لا تعجزك الشؤون و الألوف تفعل ما تشاء بسلطانك و تحکم ما تريد انك انت المقتدر المتعالى العليم الحكيم

هو المعلم الحكيم

انا نذكر من سمى بمحمد قبل تقى ليفرح بهذا الذكر الذى به نطقت الأشياء الملك لله المهيمن القيوم ان المظلوم يذكر عباد الله فى الأرض و يدعوهم الى الله مالک الوجود طوبى لبصير عرف مولاه و لسميع اذا سمع النداء عن وراء قلزم الكبرياء قال لييك لييك يا اله الغيب و الشهود قل ان المظلوم ما نطق عن الهوى يشهد بذلك مالک العرش و الثرى ولكنّ القوم اكثرهم لا يفقهون هذا يوم انزله الرحمن فى الفرقان الملك يومئذ لله ولكنّ القوم اكثرهم لا يشعرون قد نبدوا كتاب الله عن ورائهم و اتبعوا كلّ عالم مردود قل هذا يوم الظهور لو انتم تعلمون و هذا يوم البيان و انتم صامتون قوموا عن رقد الهوى ثمّ اقبلوا الى الأفق الأعلى الذى انار بهذا الاسم الذى به فتح باب السماء و نزلت قبائل الروح البهّاء على اهل البهّاء الذين سمعوا و اجابوا اذ اتى الحقّ علام الغيوب

بسمه المهيمن على الأسماء

ان يا قلم الأعلى ان اذكر من سمى بزین العابدين ليجذبه ذكر المظلوم الى مقام يشهد بما شهد الله قبل خلق السموات و الأرضين انا نبشّر الذين نبدوا الأوهام عن ورائهم مقبلين الى الله الواحد الفرد الخبير يا قوم ان افرحوا بهذا الظهور الذى كان موعوداً فى كتب الله و به ظهر ما كان مستوراً فى حجب الغيب ان ربكم الرحمن ينطق بالحقّ انه لهو العزيز العظيم كذلك نطق اللسان و ظهر البرهان طوبى لنفس سمعت و اجابت و ويل للغافلين

هو العليم الخبير

يا احمد انا نلقى عليك ما ينفك في كل عالم من عوالم ربك ان احمد و كن من الشاكرين اياك ان تمنعك زخارف الدنيا عن مالك الاسماء سيفنى الملك و يبقى ما قدر من لدن مقتدر قدیر تمسك بحبل عناية ربك و تثبت بأذيال رحمته و قل
يا مالك القدم و سلطان الأمم اسألک باسمک الذى جعلته سلطان الأسماء فى ملكوت الانشاء بأن تؤيدنى على الاقبال اليك و التوجه الى افق امرک اى رب انت الکریم و انا السائل بياک و انت الغفور و انا العاصى الرجى رشحات بحر غفرانک فأنزل على من سحاب جودک ما يطهرنى عن دونک و يقدرنى عن سوانک و ينطقنى بذکرک و ثنائک بين خلقک انک انت المقتدر المتعالى الغفور الکریم انتهى

این چند لوح مبارک از سماء مشیت نازل و در این مکتوب ثبت شد و بعد امر فرمودند مجدداً صورت آن در الواح دیگر ثبت شده ارسال شود تا هر یک از آن نفوس بلوح علی حده فائز گردند و اسم یک نفر از آن نفوس در اول لوح نظر بحکمت ذکر نشد باید آن جناب ملاحظه نمایند اگر موافق حکمت است الواح را بدهند چه که بعضی از عباد اهل تفتیشند داخل میشوند تا اطلاع یابند لذا کمال حکمت باید ملاحظه شود

و اینکه در فقره اتحاد و قیام بر خدمت امر مرقوم داشتید انشاء الله همیشه بر این امور مؤید باشید این مراتب هم تلقاء وجه عرض شد هذا ما نطق به لسان الله فى ملكوت البيان انشاء الله باید بخدمت امر بشأنى قیام نمائى که رائحه اختلاف در آن ارض نماند این کلمه یکتا لؤلؤ بحر اوامر الهی است طوبی لمن قام على هذا الأمر العظيم هر نفسی الیوم سبب اتحاد و اصلاح شود او لدی الله از اوتاد و افراد مذکور انتهى

اینکه در باره بعضی از اصحاب حضرت روح العالمین فداه نوشته بودید بعد از عرض بساحت اقدس فرمودند الیوم حضرت مسیح در بیداء اشتیاق راکض و ناطق ولكن اصحابش محروم مشاهده میشوند الا من شاء الله بسیار مشکل است آن نفوس باق اعلى توجه نمایند و از ما عندهم به ما عند الله ناظر گردند اکثر آن نفوس بمثابه اهل فرقان مشاهده میشوند از اوهام ظاهر و باوهام ناطق و الی الأوهام راجع عجیبت از بعضی از نفوس که بکلمات نالایقه آن نفوس موهومه توجه نموده و مینمایند لعمر الله لیس عندهم ما یكون لائقاً للاصغاء و الاستماع حرفی که لایق شنیدن باشد نزد آن نفوس نبوده و نیست انتهى

و اینکه در باره جناب رستم علی نوشته بودید و تعهد لوح منبع از برای او فرمودند در مقام امنع اقدس اعلى عرض شد و لوح بدیع منبع مخصوص او از سماء مشیت نازل و مخصوص دو اخت آن جناب هم لوح اعز امنع از سماء فضل نازل ذکر ورقه مخدّره امّ علیها بهاء الله در ساحت اقدس بوده کمال عنایت نسبت باو ظاهر آنچه بر او در سبیل الهی وارد شد نزد محبوب عالمیان مشهود ذکرشان کره بعد کره از سماء مشیت الهی نازل ان ربنا الرحمن لهو المشفق الکریم و هو الناطق البصیر مخصوص جمیع اسامی که در دستخط آن جناب بود و همچنین نفوسی که عریضه عرض نمودند الواح بدیع منیع از سماء عنایت نازل انشاء الله کل بان فائز شوند و بتبلیغ امر بالحکمة المحضه مشغول گردند عنایت حقّ جلّ و عزّ بمقامی رسیده که آنچه از نفوس ذکر شده و یا بشود حیاً و میثاً مخصوص کل الواح منیع از سماء مشیت نازل از حقّ بطلبید تا نفوس از حرارت نار مشتعل در سدره مشتعل شوند و بمحبّت الله ظاهر و بخدمت امره عامل مشاهده گردند ای دوستان الهی امروز روزیست که در همه کتب و صحف و زبر و الواح مذکور و مسطور است لعمر الله انه اعز من کل شیء عند الله رب العالمین نیکوست حال نفوسی که باو عارف شدند و به ما بینغی له عمل نمودند انشاء الله کل باین مقام بلند اعلى فائز شوند و از نفعات ایام قسمت برند ان ربنا الرحمن لهو الغفور الکریم و انه لهو المؤید المدبر الناصح الکریم

و لوحی مخصوص جناب الف و حاء عکّاس نازل اگر ممکن باشد بایشان برسانند و الا نزد امّ ایشان امانت بگذارند در این کرّه بعضی از این الواح منیعه را این عبد خادم از اصل تنزیل نقل نموده و ارسال داشته چه که حضرت غصن الله الأكبر روحی و ذاتی و کینوتنی لتراب قدومه الأطهر فداه تشریف نداشتند

عریضه‌ئی از جناب اسم هاء علیه بهاء الله بساحت اقدس فائز و جمعی توقّف آن جناب را در آن ارض طلب نموده‌اند عرضشان لدى الحقّ مقبول افتاد فرمودند اگر بروح و ریحان واقع شود نیکوست لو شاء الله لیجمع ما تشتّت رجای این فانی آنکه تکبیر این عبد فانی را خدمت حضرت اسم الله جمال علیه من کلّ بهاء ابههه و جناب من سمی لدى منظر الأكبر بعلى قبل اکبر علیه بهاء الله مالک القدر برسانید این فانی خدمت جمیع دوستان عرض خلوص و نیستی اظهار مینماید جناب ذیح علیه بهاء الله و جناب آقا میرزا ابوطالب علیه بهاء الله و جناب حیدر قبل علی علیه بهاء الله و جناب اسم هاء علیه بهاء الله الحمد لله بعنایات الهیّه فائز شدند و مخصوص هر یک لوح امنع اقدس نازل و ارسال شد خدمت ایشان و سایر دوستان که بلوح الهی فائز شدند عرض فنا و نیستی این عبد را برسانید و همچنین نفوسی که ذکرشان در ساحت اقدس بوده و هست انشاء الله از کأس اتحاد بنوشند و به ما ینبغی لهذا الیوم عامل باشند امروز روز ذکر و بیانست امروز روز خدمت است انشاء الله کلّ بان فائز شوند باید جمیع ما الیوم بآنچه سبب علوّ امر است ناظر باشیم از ما عند الناس معرض و به ما عند الله اقبال کنیم ای دوستان همیشه باب سماء مفتوح نه و ابر رحمت مرفوع نه باید انشاء الله جهد کنیم و بآنچه از ما در ایام این ظهور اعظم که در کلّ کتب الهی مذکور و مسطور است فوت شده بتدارک آن قیام نمائیم جمیع باید بایادی رجا باذیال کرم متشبّث شویم انه لهو الغفور الکریم انه لهو المعطى الباذل العطوف الرحیم

عرض دیگر آنکه خدمت حضرت اسم الله جواد علیه بهاء الله الأبھی عرض فنا و نیستی برسانید و همچنین خدمت جناب زین علیه بهاء الله از اهل بر در این ایام عریضه‌ئی از ایشان بساحت اقدس رسیده امید است جواب از سماء عنایت نازل و ارسال شود انشاء الله امورات کل بر وفق مرام ظاهر شده و میشود اگر تا حال بآنچه از قلم اعلی جاری شده عمل میشود کل خود را در مهد امن و امان و راحت کبری مشاهده مینمودند البهّاء علیک و علیهم من لدى الله العلیم الحکیم

خادم

۱۹ جمادى الأولى سنه ۱۲۹۸

عرض میشود الواح منزله در این کرّه جمیع ارسال نشد چه که حکمت مقتضی نه لذا عدد واحد ۱۹ الواح ممتنعّه منیعه در این پوسته ارسال شد و ما بقى لو شاء الله در کرّه بعد ارسال میشود

[یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.